



سازمان حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس ارتش جمهوری
اسلامی ایران - انتشارات آتشیار

از تنگ تا قلم

خاطرات هشت سال دفاع مقدس

نویسنده: مرتضی غرق

سرشناسه	: غرقى، مرتضى، ۱۳۳۹ -
عنوان و نام پدیدورنده	: از تفنگ تا قلم : خاطرات هشت سال دفاع مقدس / نویسنده مرتضى غرقى.
مشخصات نشر	: تهران: سازمان حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس ارتش جمهوری اسلامی ایران، انتشارات آتشبار، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهرى	: ۲۰۶ص: مصور.
شابک	: ۶-۲۳-۷۳۳۶-۶۰۰-۹۷۸-۱۲۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسى	: فیبا
موضوع	: غرقى، مرتضى، ۱۳۳۹ - - - خاطرات
موضوع	: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ - - - خاطرات
شناسه افزوده	: سازمان حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس ارتش جمهوری اسلامی ایران، انتشارات آتشبار
رده ى ى كنى	: ۹۴ / ۴۱۳ / ۱۶۲۹ DSR
رده ى ى ى ى ى	: ۴۳۰۹۲ - ۹۵۵
شماره ى كتابشناسى ى ى	: ۴۱۹۳۷۸

از تفنگ تا قلم

نویسنده: مرتضى غرقى

نوبت: اول

ویراستارى: مژگان مظفرى

كنترل نهائى: مهدى لريان

شابک: ۶-۲۳-۷۳۳۶-۶۰۰-۹۷۸

طراح جلد: سید مجید اسدى

سال چاپ: ۱۳۹۴

شمارگان: ۳۰۰۰

قیمت: ۱۲۰۰۰ ریال

ناشر: انتشارات آتشبار وابسته به سازمان حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس

ارتش جمهوری اسلامی ایران - شماره تماس: ۸۱۹۵۴۱۱۱

فهرست مطالب

۱۰	مقدمه
۱۱	پیشگفتار
۱۳	فصل اول روزهای آغاز جنگ تحمیلی و دفاع مقدس
۵۷	فصل دوم دوران دانشجویی و جنگ
۸۶	فصل سوم کربلای ۵ مرحله اول
۱۰۱	فصل چهارم مرحله دوم عملیات کربلای ۵
۱۳۳	فصل پنجم عملیات والفجر و حاکمیت منطقه عملیاتی فاو
۱۴۷	فصل ششم خاطرات ۴۸ ساعت عملیات برون مرزی در شمال عراق
۲۰۱	تصاویر

سخن ناشر

هشت سال دفاع مقدس، حدیث ماندگار پایداری، دلاوری و فداکاری
ملتی است که در راه دفاع از مکتب، انقلاب و میهن اسلامی خویش،
قله‌های بلند رشادت و شهادت را درنوردید و دشمن را در رسیدن به
اهداف خود ناکام گذاشت.

نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران با وجود مسایلی که
باعث کاهش توان رزمی شده بود با روحیه‌ای بالا ضمن انجام مأموریت
خود در مبارزه با دانه‌لَب، طرح‌های گوناگون دفاعی را آماده نموده و
حرکات نظامی عراق را زیر نظر گرفت و اسناد فراوانی از گزارشات
مفصل یگان‌ها در رابطه با تحرکات و تجاوزات ارتش عراق در مرزها را
تهیه که متأسفانه از طرف ریسک‌ناور وقت جدی گرفته نمی‌شد.
درگیری‌های پراکنده تا ۱۱۵۹/۶/۳۱ در اکثر مناطق بویژه در مناطق
جنوب مانند بمباران دهکده قره‌شیر، اشکن، اسگاه مرزی امیرآباد در
مهران و درگیری پاسگاه خرمال ادامه داشت.

دشمن تا دندان مسلح با بمباران شهرهای ایران حرکت یگان‌های
خود را به سوی اهداف از پیش تعیین شده آغاز کرد و طبق ادعای
صدام قرار بود تهران را فتح و انقلاب اسلامی را شکست دهد. ارتش
جمهوری اسلامی ایران با استفاده از طرح‌های دفاعی خود با همان
استعداد کم، بی‌درنگ مواضع مشخص شده را اشغال و ایستادگی در
مقابل دشمن را از روز اول نبرد به صورت جدی و موثر آغاز نمود.

نیبردهای تن به تن، یورش قهرمانانه هوانیروز و نیروی هوایی به مواضع و عمق شهرهای دشمن از راهبردهای روز اول نبرد بود. این مقاومت با از جان گذشتگی تاریخی نیروها در اکثر مناطق باعث متوقف شدن دشمن و در بعضی مناطق دیگر باعث کند شدن حرکت و پیشروی نیروهای دشمن گردید.

نبردهای هفت روز آغازین جنگ در خرمشهر، بستان، رقابیه، مین خوش، دهلران که به وارد کردن تلفات سنگین به دشمن همراه بود، توسل ارتش مغرور عراق را به خود آورد به حدی که حتی به اهداف اولیه خود رسید و مجبور به توقف اجباری در مناطق ناخواسته گردید. قهرمانی‌های بی‌مان‌ها حاضر در منطقه جنوب و غرب در مقابل لشکرهای تقویت شده ده‌تایی و یگان ویژه و دهها هزار داوطلب ارتش مردمی و صدها هواپیمای مدرن جنگی قابل ستایش است. بدین ترتیب دشمن در روز هفتم مهر در مناطق متصرف شده متوقف گردید. صدام اجباراً پیشنهاد آتش بس داد و شورای امنیت سازمان ملل اولین قطعنامه را به شماره ۴۹۷ صادر نمود.

اگر امروز نیروهای فرمانطقه‌ای از جمله امریکا در دره‌های کشور ما در خلیج فارس حضور دارند و منطقه خاورمیانه را به محاصره‌ای پرآشوب تبدیل کرده‌اند و با وجود اینکه ایران ما تقریباً در محاصره قرار دارد، مردم ایران در داخل کشور احساس امنیت می‌کنند؛ اگر امروز هیچ کشوری جرأت تجاوز به خاک کشور و انقلاب ما را ندارد و به

صورت مستقیم با ما درگیر نمی‌شود، به دلیل این است که آنها جنگ با این ملت زنده، بیدار و شجاع را در جنگ تحمیلی هشت ساله تجربه کرده‌اند و می‌دانند با مردمی جان برکف روبه‌رو هستند؛ ملتی که برای دستیابی به آرمان‌هایش که همانا حفظ نظام مقدس ج.ا.ایران می‌باشد از روبرو شدن با مرگ برای آرمان‌هایش نمی‌ترسد. از این رو، حفظ این دستاوردها و پاسداشت آن همه مجاهدت‌ها، وظیفه‌ای بس سترگ است که امروز برشانه‌های جوانان ما گذاشته شده است.

به تصور کشیدن این صحنه‌های زیبا، آنهم برای کسانی که در آن لحظات حساس و تاریخی وجود نداشته‌اند، رسالتی است عظیم که سازمان حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس در راه تحقیق آن از هیچ کوششی فروگذار نخواهد نمود.

تلاش و ایثار ستودنی شهدای جوان ایران اسلامی را ارج نهاده و از خداوند منان مسئلت داریم ما را در راه اعتدالی، سرزمین اسلامیمان و تحقق آرمان‌های بلند حضرت امام^(ره) و حضرت امام جعفر صادق^(مد ظله العالی) تحت عنایات خاصه حضرت بقیه الله الاعظم ارواحنا فی ربه مقدمه الفداء ثابت قدم بدارد.

و الله اعلم

سازمان حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس آجا

سرپرست دوم ستاد ابراهیم کلانم

مقدمه

هشت سال دفاع مقدس دوران پرتنش و سرنوشت سازی برای مردم ایران بود. درگیری‌های سیاسی داخلی و ناآرامی‌های جنوب و غرب کشور از یک سو و پیوند جریان نفوذی غرب به رهبری بنی‌صدر با جبهه تفاق از سوی دیگر و همچنین فشار جامعه بین‌الملل به سرکردگی آمریکا و کشورهای غربی و آبادی منطقه‌ای آن، اوضاع سیاسی و نظامی ایران را منطقه را پیچیده‌تر کرده بود. جنگ ایران و عراق برای آمریکا دو سر بر سر بود. از یک سو پتانسیل نظامی قدرتمند عراق در منطقه تضعیف می‌شد و از سوی دیگر درگیر کردن جمهوری اسلامی ایران در داخل و خارج موج انقلاب اسلامی را مهار می‌کرد. در همین حال جاه‌طلبی شوروی سابق در افغانستان و وجود یک حکومت ضد دینی در این کشور زمینه‌های دشمنی نظام نمونیستی شوروی را با نظام ج.ا.ایران تقویت می‌کرد و این مسئله هم به سود آمریکا بود. برخی رفتارهای سیاسی ایران در منطقه که ناشی از کم‌حریص بود، نیز بهانه‌ای برای نگرانی‌های جامعه بین‌المللی شده بود و همین امر موجب شده بود ایران اسلامی یکه و تنها در مقابل دولت‌های متخاصم غربی. آبادی آنها قرار گیرد و فشار جنگ بر دوش دولت و ملت ایران دو چندان شود علی‌رغم وجود این فشارها برای مهار انقلاب اسلامی امواج این انقلاب راه خود را طی کرد و باعث بیداری ملت‌ها در دورترین مناطق جهان شد و رهبری معنوی و کاریزماتیک امام خمینی(ره) توانست این کشتی الهی را از میان توفان کفر و نفاق به ساحل نجات برساند.

پیشگفتار:

دوربین‌ام را از جلد چرمی‌اش بیرون کشیدم و سعی کردم ذهنم را از هر چیزی که ممکن بود با زمانگیری و واکنش‌هایم در این زمان تداخل ایجاد کند، پاک کنم. برای لحظاتی ماتم برد و با خود فکر کردم: «چرا دوربین؟»

بدون هیچ هدفی دوربین به دست گرفته بودم، البته این دوربین قدیمی یادگار روزهای تلایی ندانی من است، روزهایی که هر لحظه‌اش می‌تواند یک مثنوی هفتاد می‌باشد. هر روزی از گذشته مرا به آن روزها می‌کشاند و این دوربین نیز از این قاعده مستثنی نبود. مدتی بود که مدام در ذهنم خاطرات را حلاجی می‌کردم. حتی روزهای تلخ هم به کام خاطراتم شیرین بود، تا به این تصمیم رسیدم، همان طور که در گنجینه‌ی خاطراتم ثبت شده بر تن سفید کاغذ هم مکتوب کنم و امروز آن روز بود....

به دور تا دور اتاقم خیره می‌شوم، هنوز هم دیوار اتاقم مزین به قاب عکس‌های ارزشمندشان است که هر کدام از این عکس‌ها برای من دنیایی خاطره در پی دارد، خاطراتی که پر از مردانگی و شجاعت و پاکی

است، لبخندهای صمیمی درون قاب و چشم‌های معصوم این لاله‌های پرپر شده هر کدام به تنهایی می‌تواند یک کتاب ارزشمند باشد. فقط خدا می‌داند که چه قدر دلتنگشان هستم و دلتنگ آن روزها، روزهایی که دنیای ما خیلی قشنگ‌تر از حالا بود، مادیات مثل دنیای امروز حرف اول را نمی‌زد، مردانگی و شرافت آدم‌ها خیلی پررنگ بود و هدف‌ها ارزشمند.

بیرون، خانه سکوت عجیبی را داشت. جایی در آن اطراف سگی پارس می‌کرد، بچه‌ها با صدای بلند گریه می‌کرد که روی ذهن من خط می‌کشید، بیرون، سکوت خانه پر از آرامش بود و حال و هوای اتاقم، قلم را پیکان به دست تا بنگارم، از تفنگ تا به قلم را... از سال‌هایی که مقدس بودند جز بهترین سال‌هایی زندگی من هستند، سال‌هایی که ثانیه به ثانیه در من خاطره است از کسانی که دیگر نیستند و به دشت لاله‌ها پیوسته. اما غموازه یادشان در دل‌ها زنده است و رشادت‌هایشان ماندگار در تاریخ این مرز و بوم. هنوز مردم طعم آرامش را بعد از واژگونی حکومت دیکتاتوری شاه‌سای نجشیده بودند که جنگ آغاز شد. نوشته‌هایی که قرار است ثبت شود در این کتاب تنها یک داستان نیست، بلکه واقعیت‌های ملموسی از جنگ است که وظیفه خود می‌دانم نگاشته شود تا نسل حاضر و آیندگان بدانند آزادی این آب و خاک را مدیون چه کسانی هستیم...